



ویژه نامه
چهل و پنجمین روز
درگذشت

دکتر حمید فرنی زاده: حقیقتا اسوه صبر و مهربانی بودند



دکتر حمید فرنی زاده، رئیس تیم پزشکی مرحوم حاج سید علاء الدین میر محمد صادقی در ماههای آخر حیاتشان از روزها و لحظاتی می گوید که حاج آقا علاء در بیمارستان بستری بوده؛ روزهایی که بیماری و عوارض حاصل از آن باعث نشد تا حاج آقا درهای کج خلقی و ناشکری در کردار و گفتارشان دیده شود. «در این مدت کوتاهی که افتخار حضور بر بالین ایشان را داشتم با وجود اینکه وضعیت جسمانی ایشان مساعد نبود، اما از لحظه نخست دیدار، بسیار شیفته این بزرگمرد دوست داشتنی شدم. گویی زیبایی شکرگرف

درون ایشان در سیمای نورانی و چشمان مهربانشان هم تبلور یافته بود. هنگامی که دستشان را می گرفتیم واقعا حس عجیب و آرام بخشی را منتقل می کردند. حقیقتا اسوه صبر و مهربانی بودند. لیکندهای ایشان در آن شرایط سخت، در حالی که NG tube داشتند و اکسیژن می گرفتند برای من به عنوان پزشک معالج بسیار الهام بخش و به نوعی زیبا بود و همیشه احساس خضوع می کردم. بی شک عروج ملکوتی شان ما را در غم و افسوس فقدان آیتی الهی و واسطه فیضی عظیم نشانده است.»



با اسکن این کیو آر کد
روایت کامل
محسن رفیق دوست
را بخوانید

روایت محسن رفیق دوست از دوستی ۶۰ ساله با حاج علاء میر محمد صادقی

می خواست در کار خیر گمنام بماند

حمید رضازسولی

مبارزه با رژیم پهلوی برای علاء الدین میر محمد صادقی از تیره خانوادگی بود. پدر او یکی از روحانیونی بود که به واسطه اتفاقات دوره پهلوی اول خلج لباس شد و مدتی را در زندان به سر برد. این موضوع برای ورود علاء الدین میر محمد صادقی به جریان مبارزه با حکومت پهلوی دوم کافی بود و او با پیوستن به جمعیت موفقیه اسلامی و همراه شدن با جوانان انقلابی، از ابتدای دهه ۴۰ به نهضت امام پیوست. محسن رفیق دوست یکی از انقلابیونی بود که در آن برهه تاریخی به عضویت جمعیت موفقیه در آمد و در مسیر مبارزه با حکومت پهلوی و بازگشایی مسیر ورود امام به کشور با علاء الدین میر محمد صادقی همراه شد. رفیق دوست خاطراتی از چند دهه رفافت و هم نشینی با حاج علاء نقل می کند که خواندنی است.

هزینه های اقامت امام (ره) در نوفل لوشاتو را تقبل کرد

حاج علاء میر محمد صادقی بعد از سقوط رضاشاه و در نوجوانی به عضویت یکی از انجمن های اسلامی اصفهان به نام انجمن تبلیغات دینی در آمد و از همان موقع وارد فعالیت های سیاسی شد. او در جلسات حاج آقا ضیاء علامه شرکت می کرد و در همان جلسات با شهید بهشتی آشنا شد. محسن رفیق دوست می گوید: «سال ۱۳۴۱ و یک سال بعد از فوت آیت الله بروجردی، امام (ره) مردم را به مبارزه علیه رژیم پهلوی دعوت کرد. امام (ره) همان موقع گروه های دینی را به منزلت در قم دعوت می کرد تا اتحادی بین آنها ایجاد کند. گروه ما از تهران دعوت شد و حاج علاء هم با انجمن تبلیغات اسلامی اصفهان آمد. وقتی همه گروه ها آمدند امام (ره) توصیه کرد که همه با هم موافقت شویم و جمعیت موفقیه اینگونه شکل گرفت. حاج علاء الدین میر محمد صادقی هم کسی بود که شاخه اصفهان جمعیت موفقیه را تأسیس کرد. او از همان روز اول تا روز رحلت امام (ره) و بیعت با رهبری و پس از آن در خط انقلاب بود و خدمات شاخصی داشت؛ مثل بیمه کردن هواپیمای حامل امام (ره) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و تقبل هزینه های اقامت امام (ره) در نوفل لوشاتو. من از ابتدای نهضت امام (ره) با حاج علاء آشنا شدم و این آشنایی ۶۰ سال ادامه پیدا کرد.»

شرط حاج علاء برای ساخت مدرسه

بعد از پیروزی انقلاب و ورود امام به کشور، حاج علاء میر محمد صادقی تکلیفی فراتر از حضور در صحنه سیاست برای خودش قائل شد. رفیق دوست معتقد است که حاج علاء دغدغه فرهنگی هم داشت و تأسیس صندوق های قرض الحسنه و مدارس خیر ساز در همین راستا بود: «حاج علاء میر محمد صادقی در ساخت ۱۰۰ مدرسه به طور مستقیم و غیر مستقیم مشارکت داشت و همواره در مراسمی که برای جمع آوری اعانه برپا می کردیم حضور داشت. من برای ساخت مدرسه راه شایستگیان در محله دولت از خیران زیادی از جمله حاج علاء کمک طلب کردم. قرار بود یکی از بازار گانان معروف برای ساخت این مدرسه ۱۵۰ میلیون تومان کمک کند اما برای ما شرط گذاشت که اولاً پسرش عضو هیأت مدیره باشد و دوم اینکه نظر آتش را در اداره مدرسه اعمال کنیم. ما از دریافت کمک صرف نظر کردیم و سراغ حاج علاء الدین میر محمد صادقی رفتیم. او هم برای ما شرط گذاشت و گفت به این شرط کمک می کنم که تا وقتی زندان جایی نگویید برای ساخت این مدرسه کمک کرده ام.»

سیده فاطمه مقیمی کار آفرین نمونه و عضو اتاق بازرگانی نگاه ویژه به جایگاه بانوان



حاج علاء الدین میر محمد صادقی، چهره ای برجسته در عرصه اقتصادی و اجتماعی، بسا اخلاق نیکو و حمایت های بی دریغ از جوانان و بانوان، همواره در یاد و خاطر مردم باقی خواهد ماند. فاطمه مقیمی، یکی از افراد شاخص اقتصادی و از نزدیکان ایشان، با نقل خاطره ها و تجربه های خود، به تبیین شخصیت و میراث ارزشمند ایشان می پردازد و از تأثیرات مثبت ایشان بر جامعه بر ایمان می گوید: معمولاً زمانی که انسان ها می میرند به داستان زندگی آنها پرداخته می شود؛ اما من بسیار خوشحالم که حاج آقا علاء الدین میر محمد صادقی از چهره های برجسته ای بودند که در دوران حیات خود، همیشه مورد تقدیر قرار گرفتند. اثری که از انسان ها باقی می ماند، طبیعتاً ناشی از عملکرد آنهاست، نه مال و اموالی که به جا می گذارند. به نظر من، اخلاق آقای میر محمد صادقی یکی از مهم ترین میراث های ایشان است. نخستین جنبه اخلاقی که از ایشان به یادگار مانده، تربیت فرزندان خوبی است که نام ایشان را به نیکویی می برند. دومین جنبه، خط مشی ها و رویه هایی است که از خود به جا گذاشتند و اینها درسی برای کسانی است که پیرو اخلاقی و کاری ایشان هستند. «مقیمی از نقش مؤثر ایشان در حفظ اتاق بازرگانی می گوید: «ایشان از جمله افرادی بودند که پس از انقلاب، مانع از تخریب و انهدام اتاق بازرگانی شدند. علاوه بر این همیشه تجربه های خود را در اختیار جوانانی می گذاشتند که در آغاز راه کسب و کار بودند و بی منت آنها را در این مسیر کمک می کردند. سخنرانی های ایشان در مدارس، مخصوصاً مدارس دخترانه ایجاد الگوهای مناسبی برای دانش آموزان بود تا بتوانند با توجه به آنها در ادامه مسیر زندگی موفق باشند. من در طول ۳۰ سالی که ایشان را می شناختم، هرگز ایشان را مغموم، خسته یا ناراحت ندیدم. گوش شنوایی داشتند و همیشه پاسخگوی سؤالات، نیازها و چراغ راهی برای ما بودند و به عنوان یک مشاور، راهکارهای مفیدی ارائه می دادند.» این کار آفرین نمونه درباره حمایت ویژه میر محمد صادقی از بانوان می گوید: «هر زمانی که می خواستم هیأت های تجاری بانوان را به فعالیت های اقتصادی سوق دهم، ایشان پیشگام بودند و همواره حمایت می کردند تا خانم ها بتوانند به فضاهای جدید و دنیای کسب و کار ورود پیدا کنند. امیدوارم همه عزیزانی که به الگوهای نیکو فکر می کنند، از شخصیت ایشان الهام بگیرند.»

کارنامه ۱۰۰ مدرسه ای

حاج علاء الدین میر محمد صادقی با تأسیس صندوق های قرض الحسنه در سال ۱۳۴۶ به کمک خانواده های زندانیان و مبارزان سیاسی شتافت و دستی هم در تربیت نسل انقلابی داشت. رفیق دوست در این باره می گوید: «در سال ۱۳۴۵ که منومین تصمیم گرفتند یک مدرسه دخترانه بسازند تا دخترانی در طراز اسلامی تربیت شوند، حاج علاء به همراه مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی بیش از بقیه کمک کردند تا مدرسه دخترانه رفاه ساخته شود. او پای ثابت کارهای خیر بود و همیشه از ما می خواست نامش را مطرح نکنیم اما بعد از فوتش یک کارنامه ۱۰۰ مدرسه ای از خودش به جا گذاشت. ما از سال ۱۳۵۰ هم برای حمایت از خانواده زندانیان سیاسی و مبارزانی که از محل کار اخراج شده بودند از حاج علاء کمک می گرفتیم. اصلاحات ما این بود که زندانیان سیاسی و خانواده هایشان مطلع نشوند که این کمک ها از چه کانالی و توسط چه افرادی به دستشان می رسد. روال کار هم اینگونه بود که به نزدیکی خانه آنها می رفتیم و از دختر بچه ها یا پسر بچه ها می خواستیم رنگ فلان خانه را بزنند و پاکت پول را به آنها بدهند.»

عصبانی نمی شد

رفیق دوست می گوید: «حاج آقا میر محمد صادقی بزرگ ترین تاجر گچ ایران هم بود و هر جا قرار بود مدرسه، مسجد و حوزه علمیه ای ساخته شود اتوماتیک وار می گفتند گچ را حاج علاء تقبل می کند. او یکی از بزرگ ترین تاجران بود که سال ها با مقامات مملکت حشر و نشر داشت اما به حدی فروتن بود که برای حل و فصل دعوی، مورد مراجعه مردم قرار می گرفت و با حسن خلقی که داشت مشکلات را حل می کرد. یکبار به حاج علاء گفتم شما اصلاً عصبانی هم می شوید که در جواب گفت: دستور شرعی داریم که هنگام عصبانیت آیه «الکاذمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین» را بخوانید تا آرام شوید. حاج علاء الدین میر محمد صادقی دیگر بین ما نیست، اما اثرات او مثل مدارس اسلامی، صندوق های قرض الحسنه، سازمان اقتصاد اسلامی، در مانگاها و... تا بد باقی است.»

۹ دهه عمر پربرکت

علاء الدین میر محمد صادقی سال ۱۳۱۰ در خانواده اصیل و مذهبی میر محمد صادقی، از خانواده های مشهور اصفهان، به دنیا آمد. ۹ ساله بود که وارد بازار کار و کسب درآمد منظم شد؛ هرچند او در ۷ سالگی و در زمان تعطیلی مدرسه پیشه خیاطی می آموخت. نسب ایشان طبق شجره نامه موجود که به تایید علمای بزرگ رسیده است، به امام سجاده (ع)، امام حسین (ع) و امام علی (ع) می رسد.

۱۳۲۴

در حالی که ۱۴ ساله بود، پدرش را از دست داد و به همراه برادر بزرگ ترش بهاء الدین عهده دار مسئولیت اداره خانواده شد.

۱۳۲۹

با پشتوانه چند سال کار در بازار اصفهان و تسلط به حسابداری، اداره یکی از حجره های مهم بازار اصفهان را بر عهده گرفت.

۱۳۳۰

علاء الدین در ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرد و با مشارکت برادرش تجارت خانه اخوان میر محمد صادقی را تأسیس کردند.

۱۳۳۰

آشنایی با مواضع آیت الله کاشانی و آغاز فعالیت های سیاسی در بازار تهران.

۱۳۳۲

در ۲۲ سالگی با دختر عموی مادرش ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد.

۱۳۳۵

پسرش حسین به دنیا آمد. پس از او صاحب دختری به نام فروغ السادات و ۲ پسر دیگر به نام های حسن و محسن شد.

۱۳۳۶

برادران میر محمد صادقی از فروش چای فله به بسته بندی چای روی آوردند و ۲ سال بعد وارد حوزه صادرات سیمان شدند.